



نگاهی به

جایگاه زن

در اسلام

مادقی-تقوی

طلیعة سخن

تردیدی نیست که زنان، در طول تاریخ از موقعیت مطلوب و شأن بالایی برخوردار نبوده و غالباً مورد بی مهری و ظلم و ستم واقع می شدند، اما بارشد روز افزون آگاهی های بشر و پیشرفت سریع علوم انسانی و اجتماعی، این پرسش مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کدام است و چگونه می توان حقوق از دست رفته زنان را استیفا کرد. در این راستا به یقین می توان گفت که ادیان الهی بویژه دین خاتم، بیش از همه به احیای شخصیت و الای زن همت گماشته اند و خداوند متعال

بهترین راه را برای سعادت و رستگاری بشر اعم از زن و مرد فراروی آنان گشوده است. معارف و الگوهای حیات بخش اسلام اگر چه در مسیر احیای شخصیت و جایگاه زنان تأثیرات زیادی داشته و دارد، ولی بسیاری از حقایق در پس ابرهای جهل و خرافه پنهان مانده و جامعه زنان هنوز نتوانسته اند آن چنان که باید از میوه های شیرین فرهنگ دینی بهره مند گردند. از طرف دیگر فرهنگ غرب با تسلط بر امکانات مادی و مراکز ارتباطی و اطلاعاتی سعی در تحمیل الگوی ناقص خویش بر ملت های جهان دارد. آنان که هنوز از سودمندی

عقیده آن‌ها درباره زن این بوده است که او را به علت دارا بودن روح انسانی، برای حشر در روز قیامت لایق نمی دانسته‌اند. در نظر رومیان زن مظهر شیطان و انواع ارواح مودیه بود، از این جهت در خندیدن و سخن گفتن از او جلوگیری می کردند و اکثراً دهان او را جز در موارد خوردن می بستند. در روم زنان همیشه تحت کفالت بودند و احتیاج به قیم داشتند و پس از مرگ مانند اشیاء به ارث برده می شدند. چین: اگر دختری متولد می شد، خویشان و نزدیکان با نهایت تأسف و ترحم به پدر و کسان نزدیک طفل تسلیت می گفتند. دختران را زنده می کشتند یا به صحرا می افکندند و یا به برده فروشان می دادند. چینیان خیال می کردند خداوند خالق پسران است و شیطان خالق دختران، لذا در نظر آنان پسران با برکت بودند و دختران طوق لعنت. قربانی دوشیزگان برای خدایان در چین مرسوم بوده است.^۱

جاهلیت عرب: زن در میان

دستاوردهای خویش مطمئن نیستند و از درون دچار چالش‌های عمیق و فراگیر شده‌اند، به تهاجم فرهنگی بر علیه کشورهای دیگر دست زده‌اند. از این رو ضروری است در دورانی که به «جاهلیت مدرن» موسوم گشته، با معرفی دقیق شخصیت و جایگاه زن گامی مهم در جهت پیشبرد اهداف عالی اسلام برداریم.

برگ‌های سیاه تاریخ

فرهنگ‌های منحط و آداب و رسوم غلط در جوامع بشری انواع ظلم و جور و سختی را بر زنان تحمیل کرده و آنان را به استثمار کشیده است. اکنون نمونه‌هایی از اشکال مختلف ستم بر زنان در کشورهای گوناگون مطرح می شود:

یونان: یونانیان زن را زاده شیطان می دانستند و او را در هیچ کاری مداخله نمی دادند و فقط برای ارضاء غریزه جنسی و خدمت گذاری، از او استفاده می کردند. در یونان زن به آسانی مورد معامله و واگذاری به بیگانه قرار می گرفت.

روم: هر چند رومی‌ها در قوانین و حقوق، پیشرفت زیادی داشته‌اند، اما

۱- زن از دیدگاه اسلام، علی ربانی خلخالی، نشر حجت، ص ۲۱، ۲۲ و ۲۵.

بسیاری از مشرکان، [عمل ظالمانه] کشتن فرزندانشان را بت‌های ایشان نیکو جلوه داد.»

جایگاه واقعی زن در اسلام

الف) تکامل زن

یکی از عالی‌ترین برنامه‌های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان قرار داده است، از بسین بردن تمام بی‌عدالتی نسبت به زن بوده است. اسلام بنیان برتری طلبی‌های قومی، نژادی، جنسی و مالی را ویران نمود و تمام انسان‌ها از مرد و زن، غنی و فقیر، عرب و عجم، سیاه و سفید، و زشت و زیبا را در یک صف قرار داد.

این دین آسمانی تنها ملاک برتری را تقوا و ارزش‌های معنوی و فضائل اخلاقی دانسته است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»؛ «ای مردم! ما

عرب‌های جاهلی وضعیت نامناسبی داشته، با فجیع‌ترین وضع زندگی می‌کرده و مانند کالایی خرید و فروش می‌شده و از هر گونه حقوق اجتماعی و فردی حتی حق ارث محروم بوده است. آنان زن را در شمار حیوانات قرار داده و او را جزء لوازم و اثاث زندگی می‌شمردند. غالباً از بیم قحطی و یا از ترس آلودگی، دختران خود را در روز اول تولد سر می‌بریدند و یا از بالای کوه بلند به دره عمیقی پرتاب می‌کردند و گاهی در میان آب غرق می‌کردند.^۱

همچنین زنده به گور کردن دختران مرسوم بوده است. به عنوان نمونه وقتی از قیس بن عاصم سؤال شد که تاکنون چند نفر از دخترانت را زنده به گور کرده‌ای، پاسخ داد: دوازده یا سیزده دختر.^۲ به همین منظور آیاتی چند از قرآن کریم در مزمت و نکوهش آنان بیان شده است، از جمله: «فَقَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛ «البته آنان که فرزندان خود را به سفاهت و نادانی کشتند زیانکارند.» و «وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلُ أَوْلَادِهِمْ سُرْكَائِهِمْ»؛ «و همچنین در نظر

۱- فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱، ص ۴۸.

۲- اسد الغابة، ابن اثیر، مکتبه الاسلامیه، ج ۴، ص ۲۲۰.

۳- انعام/۱۴۰.

۴- انعام/۱۳۷.

۵- حجرات/۱۳.

عِنْدَكَ تَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ
وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ
الَّتِي أَحْصَيْنَا فَرْجَهَا^۱؛ «خداوند برای
مؤمنان به همسر فرعون مثل زده است
در آن هنگام که گفت: پروردگارا
خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت
بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده
و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش. و
همچنین مریم دختر عمران که دامان
خود را پاک نگه داشت.»

همچنین زن می‌تواند به مقام و
منزلتی برسد که غضب و رضایت او
غضب و رضای الهی را در پی داشته
باشد، چنان که در حدیثی از رسول
گرامی اسلام ﷺ درباره حضرت
فاطمه علیها السلام آمده است: «إِنَّ اللَّهَ كَيْفُضِبُ
لِعَظْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا؛ همانا
خداوند از غضب فاطمه غضبناک و از
خشنودی او خشنود می‌شود.»^۲

(ب) حقوق زن

- ۱- انسان/۳.
- ۲- مجموعه آثار، شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۱۲۳، نظام حقوق زن در اسلام.
- ۳- تحریم/۱۱ و ۱۲.
- ۴- بحار الانوار، علامه مجلسی، دار احیاء التراث العربی، ج ۴۳، ص ۱۹؛ میزان الاعتدال، ذهبی، دارالفکر، ج ۱، ص ۵۳۵.

شمارا از یک مرد و زن آفریدیم و شما
را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا
یکدیگر را بشناسید، گرامی‌ترین شما
نزد خداوند با تقواترین شماست.»

از طرف دیگر، هدایت تشریحی،
عام و گسترده است و به گروه خاصی
اختصاص ندارد و هر کس می‌تواند از
این دریای رحمت الهی حظ و بهره‌ای
ببرد و راه تکامل و سعادت خویش را
هموار سازد. خداوند متعال می‌فرماید:
«إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا»^۱؛
«ما راه را به او (انسان) نشان دادیم،
خواه شاکر باشد یا ناسپاس.» پس
اختلاف در جنسیت نمی‌تواند مانعی
برای تکامل باشد.

شهید مطهری رحمته الله علیه پیرامون این
موضوع چنین می‌گوید: «اسلام در سیر
من الخلق الی الحق یعنی در حرکت و
مسافرت به سوی خدا هیچ تفاوتی
میان زن و مرد قائل نیست.»^۲

نمونه‌های تاریخی، گواهی صادق
بر این مدعاست. در طول تاریخ، زنان
بسیاری بوده‌اند که قله‌های ترقی را در
نوردیده و به عنوان زنان نمونه و الگو
معرفی شده‌اند. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ
ءَامَنُوا امْرَأَتٍ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي

یکی از مباحث قابل توجه در مورد جایگاه زنان در اسلام، جایگاه حقوقی آنان است. اگر چه اسلام برای زنان در ابعاد فردی و اجتماعی قوانین ویژه‌ای وضع نموده ولی در برابر، حقوق شایسته‌ای برای آنان قرار داده که موجب تعالی شخصیت آن‌ها است. خداوند حکیم می‌فرماید: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾؛ «و برای زنان همانند وظایفی که بر دوش آن‌هاست [حقوق] شایسته‌ای قرار داده شده است.» در این مقال به ذکر نمونه‌هایی از اقداماتی که اسلام برای احیاء و استیفای حقوق زنان انجام داده است می‌پردازیم.

۱) احیاء شخصیت زنان

در طول تاریخ به واسطه برتری جسمانی مردان بر زنان، شخصیت و جایگاه زنان به پایین‌ترین حد تنزل یافته بود، به طوری که مایه سرافکنندگی و طوق لعنت به شمار می‌رفتند. به عنوان نمونه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ﴾؛ «و هرگاه به یکی از آن‌ها بشارت دهند که دختری نصیب تو شده، صورتش [از فرط

ناراحتی] سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌گردد.» اما اسلام با قوانین بی‌بدیل خود و گفتار و رفتار پیامبری که رحمة للعالمین بود، شخصیت از دست رفته زنان را احیا کرد و او را مایه رحمت و برکت معرفی نمود، چنانکه رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «الْبَنَاتُ هُنَّ الْمُسْفَقَاتُ الْمَجْهُرَاتُ الْمُبَارَكَاتُ»؛ دخترها مایه رحمت، صلاح زندگی و برکت هستند.»

۲) به رسمیت شناختن حق مالکیت

زنان

قبل از اسلام زنان نه تنها حق مالکیت نداشتند، بلکه همچون کالایی خرید و فروش می‌شدند و در کنار اموال میت به ارث برده می‌شدند، حتی در کشورهای غربی با آن همه هیاهوی تبلیغاتی و شعار برابری حقوق زن و مرد، تا یک قرن قبل حق مالکیت برای زنان قائل نبودند و بعد از انقلاب صنعتی - آن هم برای تشویق زنان برای حضور در کارخانه‌ها به عنوان نیروی کار ارزان قیمت - برای آنان حق مالکیت را

۱- بقره/۲۲۸.

۲- نحل/۵۸.

۳- کنز العمال، متقی هندی، مؤسسة الرسالة، ج ۱۶، ص ۴۵۴، ح ۴۵۳۹۹.

به رسمیت شناختند. ویل دورانت مورخ بزرگ می‌نویسد: «نخستین قدم برای آزادی مادران بزرگ ما قانون ۱۸۸۲ م بود. به موجب این قانون زنان بریتانیای کبیر از آن پس از امتیاز بی سابقه‌ای برخوردار می‌شدند و آن این که پولی را که به دست می‌آوردند حق داشتند برای خود نگه دارند. این قانون عالی اخلاقی را کارخانه داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها بکشانند. از آن سال تا به امسال سودجویی مقاومت ناپذیری آنان را از بندگی و جان‌کندن در خانه رها نیده، گرفتار بندگی و جان‌کندن در مغازه و کارخانه کرده است.^۱»

اما اسلام که انسان‌های کور دل و شهوت پرستِ قرن بیستم آن را به محدودیت حقوق زنان متهم می‌کنند، از قرن‌ها قبل حق مالکیت را برای زنان، به رسمیت شناخته و به هیچ کس حق تصرف در اموال آنان را نمی‌دهد. خداوند متعال به صراحت می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا؛ «مردان نصیبی از آن چه به دست می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند [و نباید حقوق هیچ یک پایمال شود].» همچنین برای آنان به انتظار

و نیاز آن‌ها در چهار چوب شریعت، حق ارث معین شده است. «وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ»^۲؛ «و برای زنان نیز از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان [به ارث] می‌گذارند، سهمی است.»

۳) تجویز حضور زنان در عرصه‌های

اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

در اسلام به زنان حق دخالت در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داده شده است، اما مشروط به حفظ عفاف و پاکدامنی و حریم انسانیت. اسلام از طرفی با حضور بی قید و شرط زنان در تمام امور و از بین رفتن حریم‌های اخلاقی مخالفت کرده و از طرف دیگر برای فعالیت‌های ضروری اجتماعی با حفظ عفت مانعی ایجاد نکرده است و راه اعتدال که سعادت آنان را در پی دارد در پیش روی آنان قرار داده است. به گفته استاد شهید مطهری رحمته‌الله: «اسلام در عین این که نهایت اهمیت را برای پاکی روابط جنسی به عمل آورده، هیچ گونه مانعی برای بروز استعدادهای انسانی زن به وجود نیاورده است، بلکه

۱- لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس

زریاب، نشر اندیشه، ص ۱۵۸.

۲- نساء/۳۲.

۳- نساء/۷.

که بعد از فتح مکه به دست سپاه مسلمانان، زنان مکه نزد پیامبر ﷺ می آمدند و با آن حضرت بیعت می کردند.^۳

در قرآن کریم به بیعت زنان با پیامبر ﷺ اشاره شده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِبْتَهُ تَيْنَ آيِدِيهِنَّ وَأَنْ يَكُنَّ لَكُنَّ فَيُفْتَرِبْنَ عَلَيْكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَايِعُهُنَّ﴾^۴؛ «ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن برای بیعت، نزد تو آیند که دیگر هرگز شرک به خدا نیاورند و سرقت و زناکاری نکنند و اولاد خود را به قتل نرسانند و افترا و بهتان میان دست و پای خود نبندند و با تو در هیچ امر معروفی [که به آن‌ها کنی] مخالفت نکنند، با آنان بیعت کن.»

(۳) در متون اسلامی نقل شده است که در زمان رسول خدا ﷺ زنان، از جمله حضرت فاطمه علیها السلام در تشییع جنازه بعضی از مسلمانان شرکت می کردند و آن حضرت

کاری کرده که اگر این برنامه‌ها دور از افراط و تفریط اجرا شود، هم روحیه‌ها سالم می ماند، هم روابط خانواده‌ها صمیمی تر و جدی تر می گردد و هم محیط اجتماع برای فعالیت صحیح مرد و زن آماده تر می شود.^۱

با بررسی تاریخ گرانمایه اسلام در می یابیم که اسلام هیچ گاه زنان را از حضور در امور فوق منع نکرده، بلکه در برخی مسائل مانند حج آن را واجب شمرده و در بسیاری موارد آن را مجاز دانسته است. در کتب تاریخی و روایی موارد زیادی از حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در زمان رسول خدا ﷺ و بعد از آن در زمان ائمه معصومین: بیان شده که به نمونه هایی از آن‌ها اشاره می نمایم:

(۱) در زمان رسول الله ﷺ برخی از اصحاب، زنان را از حضور در امور خارج از خانه منع می کردند، ولی با مخالفت آن حضرت مواجه می شدند که می فرمود: «أِنَّهُ لَقَدْ أُذِنَ لَكُنَّ أَنْ تَخْرُجْنَ لِحَوَائِجِكُنَّ»؛ همانا خداوند به شما زنان اجازه داده است که برای برطرف کردن حوائج خود از خانه خارج شوید.»

(۲) در حوادث فتح مکه ذکر شده است

۱- مجموعه آثار، همان، ص ۵۴۲.

۲- صحیح بخاری، دار احیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۴۹.

۳- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، دارصادر، ج ۲، ص ۲۵۲، حوادث سال ششم هجری، فتح مکه.

۴- ممتحنه، ۱۲.

هم آنان را از این کار منع نمی‌کردند.^۱
 ۴) خطبه‌های آتشین حضرت زهرا علیها السلام^۲ و حضرت زینب علیها السلام^۳ و دفاع از حریم ولایت و روشنگری جامعه، از واقعیاتی است که قابل انکار نیست. آن دو بانوی بزرگ اسلام با حضور در اجتماع مردم و مجالس بزرگ در یک حرکت و جهاد فرهنگی بر علیه دشمنان اسلام قیام نمودند و به دفاع از حق پرداختند.

۴) اعطای حق تعلیم و تربیت

یکی از وظایف خطیر پیامبران الهی تعلیم و تربیت است. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»؛^۴ «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد.»

هدف اسلام این است که تمام انسان‌ها در این امر مهم به پیش روند و به درجات عالیة کمال نائل آیند، از این رو چنان بستری فراهم نموده که زن‌ها نیز همچون مردان به فراگیری دانش و تزکیه نفس پردازند. اسلام نه تنها فراگیری دانش را برای آنان جایز شمرده، بلکه بر آنها لازم دانسته است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ قَرِيْبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ»؛^۵ فراگیری علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان لازم و ضروری است.»

اسلام نمی‌خواهد زنان مسلمان، دوران زندگی خود را با غفلت و بی‌خبری و به دور از هر گونه ترقی و کمال، سپری کنند.

ج) آزادی زنان

یکی از خواسته‌های فطری و غریزی بشر در تمام دوران تاریخ، آزادی بوده است و هر انسان روشن ضمیر دوست دارد که آزادانه بیان‌دیشد و آزادانه انتخاب کند و به آن چه با تعقل انتخاب کرده آزادانه عمل نماید. زنان که حدوداً نیمی از جمعیت انسانی را تشکیل می‌دهند، در قرون متمادی از این نعمت و موهبت الهی محروم بوده‌اند و در تمام زمینه‌های فردی و اجتماعی مورد ظلم و جور قرار داشته و

۱- وسایل الشیعة، شیخ حرّ عاملی، آل‌البیت،

ج ۲، ص ۵۱.

۲- الاحتجاج، طبرسی، اسوه، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳- اللهوف، سید بن طاووس، حوادث بعد از عاشورا.

۴- جمعه/۲.

۵- امالی شیخ طوسی، مجلس ۱۷، ح ۴۰،

ص ۴۸۶.

در چنگال جبر، محصور بوده‌اند.

در دنیای امروز مخصوصاً از عصر رنسانس تا کنون که سکولاریزم رفته رفته آثار شوم خود را در پهنه جوامع انسانی می‌گستراند، دین و به تبع آن بُعد روحانی انسان به فراموشی سپرده شده و در تمام آزادی‌های مطرح شده در مورد زنان و غیره، فقط به جنبه جسمانی و حیوانی او توجه شده است. شهید مطهری رحمته‌الله درباره تفاوت بین آزادی در اسلام و آزادی در غرب می‌گوید: «دمکراسی در اسلام یعنی انسانیت رها شده، حال آن که این واژه در قاموس غرب معنای حیوانیت رها شده را متضمن است.»^۳

د) پرهیز از یکسونگری

زن و مرد به طور طبیعی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و در وجود هر کدام غرایز و تمایلات و استعدادهایی نهفته است که در وجود دیگری موجود نیست. برای نمونه مرد موجودی سخت‌کوش و خشن است که توانایی انجام امور سخت و طاقت

ادیان الهی که از ذات حق سرچشمه می‌گیرند، قوانین رهایی بخش انسان‌ها را بیان داشته‌اند. دین اسلام نیز که خاتم ادیان و کامل‌ترین آن‌هاست برنامه‌ها و تعالیم ناب خود را در زمینه آزادی انسان‌ها و از جمله آزادی زنان به بشر عرضه داشته است. اسلام با قوانینی دقیق و نظام‌مند در مورد زنان با حفظ معیارها و ارزش‌های اخلاقی، آنان را از اسارت و بردگی نجات داده و به سوی جایگاه واقعی‌شان رهنمون ساخته است. در اسلام مرد و زن در یک صف قرار می‌گیرند و با الفاظی همچون «یا آیهما الناس» و «یا آیهما الذین آمنوا» مورد خطاب واقع می‌شوند و با آیاتی همچون «وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ»^۱ و «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»^۲ به آنان استقلال در عمل داده می‌شود.

البته چون انسان موجودی دو بُعدی است - که یکی بعد حیوانی و دیگری بعد روحانی می‌باشد - آزادی او نیز در هر دو بعد مطرح است. اسلام با محدود کردن آزادی در بعد جسمانی و حیوانی، زمینه آزادی در بعد انسانی و روحانی و رشد و تکامل اخلاقی را فراهم نموده است، ولی

۱ - غافر/ ۴۰ «و هر کس که عمل نیکی انجام دهد و حال آن که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، داخل بهشت می‌شود.»

۲ - مدثر/ ۳۸ «هر انسانی در گرو عمل خویش است.»

۳ - مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۰۴.

فرسا را داراست، ولی زن موجودی لطیف است که از نظر جسمانی تاب و توان آن امور را ندارد.

الکسیس کارل فیزیولوژیست و زیست شناس معروف فرانسوی در این باره می‌گوید: «اختلافی که بین زن و مرد موجود است تنها مربوط به شکل اندام‌های جنسی آن‌ها نیست بلکه نتیجه علّتی عمیق‌تر است. به علت عدم توجه به این نکته اصلی و مهم است که طرفداران نهضت زن فکر می‌کنند که هر دو جنس می‌توانند یک قسم تعلیم و تربیت یابند و مشاغل و اختیارات و مسئولیت‌های یکسانی به عهده بگیرند. زن در حقیقت در جهات زیادی با مرد متفاوت است. زنان باید به بسط مواهب طبیعی خود در جهت و مسیر سرشت خاص خویش بدون تقلید کورکورانه از مردان بکوشند، وظیفه ایشان در راه تکامل بشریت خیلی بزرگتر از مردهاست و نبایستی آن را سرسری گیرند و رهاکنند.»^۱

یکی از دقت‌ها و ظرافت‌های اسلام، این است که بر اساس این تفاوت‌ها و به تناسب استعداد هر کدام، قوانین و احکام مخصوص به هر یک از زن و مرد را تشریح نموده و آن قوانین را در یک چارچوب

منطقی و عقلانی ارائه نموده است. نظام حقوقی اسلام، نظامی منسجم و هماهنگ است که با ملاحظه مجموعه شرایط و کلیه مصالح فرد و جامعه و بر اساس تمام خواست‌ها و نیازهای فطری و غریزی انسان، تنظیم شده است. از این رو در مواجهه با قوانین اسلام باید از جزء بینی و یک سو نگری پرهیز شود و به آن‌ها به صورت مجموعی و کلی نگریسته شود تا جایگاه واقعی هر یک از زن و مرد شناخته شود.^۲ در ادامه به بیان دو نمونه از قوانین اسلام در رابطه با زن و مرد می‌پردازیم و آن‌ها را با دو نگاه یک سو نگر و مجموعی بررسی می‌کنیم.

۱) در اسلام ارث زن نصف ارث مرد است. اگر چه این حکم به تنهایی معقول به نظر نمی‌رسد، ولی در کنار این حکم شرعی، و جوب نفقه بر عهده مردان گذاشته شده است. در یک نگاه مجموعی به این دو حکم متوجه می‌شویم که زن‌ها می‌توانند آن چه به ارث می‌برند را در ملک شخصی

۱- انسان موجودی ناشناخته، الکسیس کارل،

ترجمه دکتر پرویز دبیری، ص ۱۰۰.

۲- در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، زیبایی نژاد و سبحانی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ص ۵۰.

خود نگه دارند ولی مردها موظفند از تمام مایملک خود در راه معاش زندگی استفاده کنند، که در این صورت به نظر می‌رسد در نهایت زنان بهره بیشتری از مردان ببرند.^۱

۲) اگر چه قوه تعقل و ادراک در زن و مرد برابر است ولی در زنان به علت وجود احساسات و عواطف زیاد غالباً تعقل تحت الشعاع قرار می‌گیرد و احساسات و عواطف بر آن غلبه می‌کند؛ به خلاف مردان که چون از احساسات و عواطف کمتری برخوردارند بیشتر از قوه تعقل استفاده می‌کنند، از این رو اموری همچون قضاوت به عهده مردان گذاشته شده، ولی در عوض نیروی عظیم و موهبت الهی عواطف در زنان در مسیر صحیح خود به کار گرفته می‌شود و موجب تحکیم نظام خانواده و تربیت فرزندان صالح می‌شود. در این صورت زنان همچون مردان از ارکان زندگی به شمار می‌روند و زینت بخش زندگی هستند. ﴿مَنْ لِيَأْسَ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَأْسَ لَهِنَّ﴾؛ «آن‌ها زینت و پوشش شما هستند و شما زینت و پوشش آن‌ها».

محصول نگرش اسلامی و غربی

به حقوق زنان

اگر مبنا و مأخذ قانونگذاری وحی الهی باشد، از هرگونه خطا و افراط و تفریط

مصون است، اما اگر قانون، ساخته فکر بشر باشد، در اکثر اوقات یا راه افراط را می‌پیماید و یا راه تفریط را. در مورد جایگاه و ارزش زن روزگاری راه تفریط در پیش روی انسان‌ها بود و زنان از حقوق مسلم خود محروم بودند، ولی امروزه که انسان‌ها از نظر فکری رشد کرده‌اند، مرکب تیز روی خود را به سرعت بر خلاف جهت گذشته به حرکت در آورده و راه افراط را در پیش گرفته‌اند و به قول معروف برای سوار شدن بر مرکب آن چنان خیز برداشته‌اند که از طرف دیگر مرکب به زمین خورده‌اند.

غرب می‌خواست حقوق از دست رفته زن را به او برگرداند، ولی با آزادی‌های بی‌قید و شرط و غیر انسانی، او را از رسیدن به تکامل و انسانیت باز داشت. آن‌ها می‌خواستند زن را از بردگی نجات دهند، ولی او را به بردگی مدرن کشانیده‌اند. اما اسلام راه میانه و اعتدال را فراروی انسان‌ها قرار می‌دهد که پیمودن آن موجب سعادت و موفقیت در دنیا و آخرت می‌شود.

کارشناسان غربی آمارهایی تهیه کرده‌اند که نشان می‌دهد امروزه ساختار و

۱-المیزان، همان، ذیل آیه ۳۴ سوره نساء.

۲-بقره/۱۸۷.

است. بنابر آمارهای منتشر شده از طرف سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۱ آمریکا بالاترین میزان طلاق را داشته است.^۲

البته این نکته قابل ذکر است که متأسفانه بعضی از کشورهای اسلامی به علت تطبیق قوانین کشورهای غربی در سیستم‌های حکومتی خود و کنار گذاشتن بعضی از احکام اسلام، دچار چالش‌های اخلاقی زیادی شده‌اند. همچنین برخی از مسلمانان با تقلید کورکورانه و الگوپذیری از فرهنگ غرب در گرداب ابتذال و بی بند و باری گرفتار شده‌اند و هر چقدر این تقلید غیر عقلانی بیشتر شود، شیوع و گسترش این ناهنجاری‌های اخلاقی در جوامع اسلامی نیز بیشتر خواهد شد. پس احکام و قوانین اسلام به خودی خود هیچ عیب و نقصی ندارد، بلکه تمام مشکلات به خاطر عدم اجرای این قوانین است.

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست از مسلمانی ماست

نظام اخلاقی در آن جوامع با مشکلات متعددی دست به گریبان است. آمار بالای طلاق، هم جنس بازی، زندگی زوجین در چارچوب‌های خارج از دایره ازدواج، بی بند و باری فرزندان و سطح بالای حاملگی دختران نوجوان، همه و همه از توابع و پیامدهای الگوی ناتمام و ناصواب غرب در برابری حقوق زن و مرد و آزادی بی قید و شرط زنان در عرصه‌های مختلف است که علاوه بر از هم گسیختگی و متلاشی شدن نظام خانواده در آن جوامع، باعث شیوع و گسترش فسادهای اخلاقی و از بین رفتن هنجارهای انسانی شده است. در ادامه به ذکر برخی از آمارهای منتشر شده در این باره می‌پردازیم.

در یک نظر سنجی در آمریکا، نیمی از جوانان با روابط جنسی افراد متأهل با دیگران مخالفتی نداشته‌اند.^۱

در نروژ، دانمارک و سوئد از هر ده زوج موجود، سه تا چهار زوج زندگی مشترک خارج از دایره ازدواج دارند، البته این میزان در کشورهای کاتولیک که مذهب نقش بیشتری دارد کم‌تر است. در کشورهای غربی طی چند دهه اخیر تعداد نوزادان نامشروع به شدت افزایش یافته و در بعضی از آن کشورها از مرز ۵۰٪ گذشته

۱- تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی،

رونالد اینگلهارت، ترجمه مریم وتر، ص ۵۰۰.

۲- سیمای زن در جهان، ایالات متحده آمریکا،

جلیل روشن دل و رافیک قلی پور، ص ۳۵-۳۷.